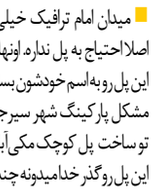

تاکید بر استانداردسازی سیستم گرمایشی مدارس

ایسنا: استاندار کرمان بر لزوم ایمن سازی و استانداردسازی سیستم گرمایشی مدارس استان کرمان تاکید کرد. محمد جواد فدایی با تاکید بر اینکه باید مدارس ایمن از غیر ایمن را جدا کنیم، افزود: کمیته ای با مسئولیت معاونت عمرانی استانداری متشکل از اداره کل آموزش و پرورش، سازمان برنامه و بودجه و نوسازی مدارس در چند مطلب بررسی های لازم را انجام داده و نتیجه آن را در جلسه آینده شورای آموزش و پرورش استان ارائه کنند. فدایی در زمینه ایمن سازی سیستم گرمایشی مدارس گفت: برنامه ریزی و اولویت بندی هشت هزار کلاس درس در استان کرمان برای اینکه از چه سیستم گرمایشی استفاده شود انجام شود.

۵۰ کلاس عشایری در سیرجان با بخاری نفتی گرم می‌شود

خطر در کمین دانش‌آموزان عشایری

زهرا خواجویی‌نژاد

دختر دوان دوان می‌آید داخل کلاس و روی صندلی می‌نشیند و دست‌هایش را برهم می‌زند تا گرم شود. صورتی، قرمز، مشکی، سورمه‌ای‌رنگ کیف‌هایی‌ست که‌روی‌صندلی‌ها گذاشته شده‌اند، نه معلمی در کلاس است و نه دانش‌آموزی. فقط یک دختر کوچک روی یکی از صندلی‌ها نشسته و منتظر است تا معلم بیاید. می‌گوید زنگ تفریح است و بچه‌ها توی پارک دارند بازی می‌کنند اما من چون خیلی سردم شد داخل کلاس آمدم.

کلاس سه در چهاری که بوی نم و گچ تازه می‌دهد، دخترک می‌گوید: «دارند کلاس‌مان را سفید می‌کنند.» می‌پرسم کلاس‌تان بخاری ندارد؟ با دست اشاره به بخاری نفتی خاموش که لوله‌اش کنار کلاس افتاده می‌کند: «بخاری‌مون اینه، اما چون دارن کلاس را درست می‌کنن فعلا بخاری خاموشه» چه‌کسی بخاری را خاموش و روشن می کنه؟«خانم معلم» بچه‌ها دست به بخاری نمی‌گیرن؟ «نه‌می‌ترسیم».

بخاری‌نفتی خیلی خطرناک‌است

کنار کلاس درست اتاق استراحت معلم است، در که می‌زنم خانم معلم در را باز می‌کند. روستای سنگ‌بهرام کجاست؟ «اینجا روستای چاه‌قلعه است از سیرجان تا اینجا ۳۴ کیلومتر فاصله هست. هنوز باید ۳۰ کیلومتر دیگر بروید تا به‌سنگ‌بهرام‌برسید.» شما ساکن اینجا هستید؟ «بله من معلم دبستان اینجا هستم. زنگ تفریح بچه‌ها بود داشتم صبحانه می‌خوردم.» اینجا بخاری‌نفتی دارید؟ «اینجا هنوز گاز نیومده و از بخاری نفتی استفاده می‌کنیم، الان داریم مدرسه را تعمیر می‌کنیم و فعلا وسیله گرمایشی نداریم. البته همه کلاس‌های درس در این منطقه بخاری نفتی دارند.» الان که بخاری ندارید سرد نیست؟ «کلاس خیلی سرد است، کلاس‌مان اول صبح ساعت ۷:۳۰ شروع می‌شود و آن موقع سردتر است.» چند تا شاگرد دارید؟ «من ۲۰ تا شاگرد دارم که در دو کلاس می‌نشینند و من هر دو کلاس را اداره می‌کنم. در واقع ۶ پایه را تدریس می‌کنم.» نگران بخاری نفتی نیستید؟ «بخاری نفتی خیلی خطرناک است. ممکن است برای بچه‌ها اتفاقی بیفتد. من خودم هر صبح بخاری را روشن می‌کنم و ظهر هم خودم خاموش می‌کنم. می‌ایستم بچه‌ها بیرون بروند تا خیالم راحت شود. اگر بخواهم بگویم بچه‌ها خودشان بخاری را خاموش یا روشن کنند ممکن است ایمنی را رعایت نکنند و منفجر شود و خیلی خطرناک است.» اینجا برق دارید؛ «برق درست و حسابی نداریم، کلاس ما که برق نداشته و ما تازه داریم برق می کشیم. در این سال‌ها که معلم عشایری بودم برای دانش‌آموزانم حادثه‌ای به‌وجود نیامده و دعا می‌کنم تا آخر خدمتم هم اتفاقی نیفتد».

۲۵۹۶ کلاس در استان کرمان با علاالدین گرم می‌شوند

دو هفته پیش خبر آتش گرفتن بخاری نفتی مدرسه اسوه حسنه در زاهدان و فوت چهار دختر دانش‌آموز باعث تلخ شدن کام مردم کشور شد، چند روز پیش باز هم خبر رسید به دلیل آتش گرفتن یک بخاری نفتی در مدرسه دیگری در یکی از روستاهای سیستان‌وبلوچستان پاهای یکی از دانش‌آموزان سوختند. هفته گذشته خبر رسید که در سیرجان و بیخ گوش‌مان ۶۵ مدرسه وجود دارد که با بخاری نفتی گرم می‌شوند. همچنین مدیر کل آموزش‌وپرورش استان کرمان گفته ۲۵۹۶ کلاس در استان کرمان هیچکدام از تجهیزات گرمایشی را ندارد و گرمای آن‌ها با علاالدین است.

قرار گرفتن بخاری‌نفتی کنار در ورودی خطرناک‌است

چاه قلعه را که ترک می‌کنیم صدای فریادهای سرخوشانه کودکان در پارک تمام فضای روستا را گرفته است. ۳۵ کیلومتر که از چاه‌قلعه جلو می‌رویم به روستای سنگ‌بهرام می‌رسیم. دبستان روستا در انتهای خیابان اصلی قرار گرفته است. یک ساختمان قدیمی و فرسوده که بر روی دیوارش بنری نصب شده است و نوشته؛ «دبستان عشایری آیت‌الله بروجردی» دو نفر از دانش‌آموزان بیرون مدرسه ایستاده‌اند و به محض اینکه ما را می‌بینند به سمت‌مان می‌آیند و می‌پرسند از کجا آمدیم. وقتی می‌گوییم خبرنگار هستیم می‌دوند داخل سالن و معلم‌شان را صدا می‌زنند. وارد که می‌شویم راهرو قدیمی با دیوارهایی که گچ‌شان ریخته و کف‌شان موزاییک‌های قدیمی خودنمایی می‌کنند. دو کلاس و ۲۲ نفر دانش‌آموز همه دارایی این مدرسه است. ۱۲ نفر از بچه‌ها در پایه پیش، اول، دوم و سوم هستند و ۸ نفرشان هم چهارم، پنجم و ششم در کلاس بعدی نشسته‌اند. «در روستای سنگ بهرام یک مدرسه عشایری و یک مدرسه عادی وجود دارد که به دلیل نبود گاز در منطقه مدارس مجبور به استفاده از بخاری نفتی هستند.» این‌ها را جهانشاهی یکی از معلمان مدرسه آیت‌الله بروجردی می گوید. او ۲۸ سال معلم عشایری است و دو سال دیگر بازنشسته می‌شود.

او می‌گوید اکثر مدارس عشایری با بخاری نفتی گرم می‌شوند؛ «در مدارسی که کار کردم الحمدالله تا الان اتفاقی نیفتاده است. ولی خیلی مشکل وجود دارد. الان من خودم صبح‌ها تا نباشم کسی نمی‌تواند بخاری را روشن کند و خودم حتما باید بیایم بخاری را روشن و خاموش کنم و واقعا خودم هم می‌ترسم.» او به جانمایی اشتباه بخاری در کلاس اشاره می‌کند؛ «بخاری گوشه کلاس کنار در ورودی کار گذاشته شده و در هم چوبی است اگر خدایی نکرده اتفاقی بیفته و در آتش بگیرد واقعا بچه‌ها از کجا باید بیرون بروند، برای همین زمستان‌ها کلا استرس دارم. اگر آن گوشه‌ی کلاس لوله‌اش را گذاشته بودند حتی اگر مشکلی هم پیش بیاید بچه‌ها سریع از کلاس خارج می‌شوند.» او با بیان اینکه هنوز بخاری کلاس بعدی‌مان را وصل نکردیم، گفت: «امسال یک بخاری نو به مدرسه اضافه شد آن را داخل این کلاس گذاشتیم و می‌خواهیم بخاری قدیمی را داخل آن کلاس بگذاریم، آن کلاس فعلا با چراغ علاالدین گرم‌می‌شود».

لطفا به گوش خیرین مدرسه‌ساز و مسئولان‌برسانیدماچقدرمشکل‌داریم

وارد کلاس درس بعدی می‌شویم، بچه‌ها به احترام بلند می‌شوند و در حالی که یکصدا صلوات می‌فرستند به ما خوش‌آمد می‌گویند. نیمکت و صندلی‌های فرسوده، دیوارهای خراب، شیشه‌های شکسته کلاس درس و چراغ علاالدینی که گوشه کلاس است نشان از محرومیت می‌دهد.

معلم کلاس بعدی که پایه چهارم، پنجم و ششم ابتدایی را تدریس می‌کند، گفت: «شاید شنیدید چند روز پیش باز هم یک بچه تو مدرسه‌ای در سیستان به خاطر بخاری نفتی دچار آتش‌سوزی شده و پاهایش سوخته است. الان بزرگ‌ترین مشکل ما سرماست. پنجره‌های کلاس‌ها اکثر شکسته‌اند و از بیرون باد می‌آید. چند روز پیش موفق شدیم شیشه در ورودی را بگذاریم و دیگر بودجه‌مان به تعمیر شیشه کلاس‌ها نرسید.» چرا از کمک خیرین استفاده نمی کنید؟ «خیرین فقط مدرسه می‌سازند عوض اینکه به مدرسه‌ای برسند و امکانات تهیه کنند می‌آیند یک مدرسه دیگر با کیفیت پایین مثل همین می‌سازند. فکر می‌کنند خیر مدرسه‌ساز یعنی کسی که مدرسه بسازد. اگر راست می‌گویند بیایند به این مدارس عشایری برسند. البته توی همین مدرسه هم سال گذشته یک خیر پیدا شد و آمد پشت‌بامش را ایزوگام کرد. سال‌های قبل سقف‌ها آب می‌دادند اما امسال این مشکل حل شده است. این مدرسه قبل از انقلاب ساخته شده و تا امسال فقط یک کلاس بیشتر نداشت و این کلاس انباری بود که ما امسال چون تعداد دانش‌آموزان‌مان بیشتر شد مجبور شدیم دو کلاسه کنیم و انباری را تبدیل به کلاس کردیم.» از نظر او بچه‌های ابتدایی نیاز به این دارند در و پنجره کلاسِ درس شاداب و زیبا باشد. اگر دانش‌آموز از کلاس وارد می‌شود کلاس گرم و شاداب باشد درس گوش‌دادنش هم فرق می‌کند. نه کلاسی که بچه‌ها خودشون باید کلاس تمیز کنند، گردگیری کنند، و تمام سعی‌شان را می‌کنند که کلاس سرپا باشد. لطفا به گوش مردم و مسئولان برسانید ما چقدر مشکل داریم. نه اینکه فقط صفحه‌ای از روزنامه پر شود. اگر مردم بتوانند در حدوسع‌شان کمک کنند و این مدرسه از این حالت در بیاید من فکر می کنم خیلی از مشکلات مدارس عشایری حل می‌شود.» او باز هم تاکید می‌کند: «بزرگ‌ترین مشکل ما بخاری نفتی است، خودم اینقدر می‌ترسم که الان بخاری نفتی اینجا قرار بگیرد چون مسئولیتش با من است، بچه‌ها زمانی می‌خواهند از کنارش رد شوند چراغ شعله می‌گیرد مثلا یکی از بچه‌ها چادری است همین طور رد می‌شود چادرش می‌گیرد هر آنی امکان دارد اتفاقی بیفتد و بچه‌ای آتش بگیرد. بچه‌ها دبستانی کوچک و جنب و جوش زیادی دارند و باید خیلی مراقب‌شان بود.» وی افزود؛ «اکثر اوقات چراغ را گوشه کلاس می‌گذاریم اما روزهایی که سرد شود مثلا چند روز پیش که باران آمد چراغ را وسط کلاس بین بچه‌ها گذاشتیم تا همه گرم شوند.» چه کسی بخاری و چراغ را نفت می‌کند؛ «بعضی اوقات خودمان، گاهی هم دانش‌آموز.» از نظر او همه مدارس این قسمت مشکل سیستم گرمایشی دارند چون این منطقه گازکشی نیست؛ «حالا مثلا مدرسه ما وضعش خوب است بخاری نفتی بزرگ داره، اکثر کلاس‌های درس این منطقه با علاالدین گرم می‌شوند. حداقل بخاری‌های ما بزرگ هستند اگر کیفی هم بهشون گیر کند نمی‌افتد. اما به هر حال بخاری نفتی زنگ خطر است».

۵۰ مدرسه در سیرجان با بخاری نفتی گرم‌می‌شود

علیرضا اسلام‌پناه رییس آموزش عشایری گفت: «از سال ۵۲ که طرح اسکان عشایر اجرا شده، خیلی از عشایر ثابت و یکجانشین شدند و مدارس‌شان هم به آموزش‌وپرورش واگذار نشد. یعنی الان روستا هستند اما مدرسه‌شان عشایری هستند.» از نظر او تبدیل مدارس روستایی به عشایری بعیداست؛ «الان دیگر تقریبا مدارس ثابت هستند و نیازی به تغییر و تحول نیست. چه آموزش و پرورش به مدارس معلم بدهد و چه ما فرقی ندارد.» اسلام‌پناه با تاکید بر اینکه در حال حاضر ۷۰ مدرسه ثابت و کوچ‌رو در سیرجان زیر نظر آموزش عشایری هستند، گفت؛ ۱۴ تای آن کوچ‌رو و بقیه ثابت هستند.

اینکه می گویید زیر نظر آموزش عشایری یا آموزش‌وپرورش بودن هیچ تاثیری ندارد، در گرفتن بودجه هم تاثیر ندارد؟ «مدارس عشایری تا چندسال پیش وضعیت‌شان بهتر بود. دفتری به نام آموزش عشایری در تهران داشتیم که بعضی وقت‌ها به موازات آموزش‌وپرورش امکاناتی می‌گرفت و برای ما می‌فرستاد. الان دیگر چند سال است که دفتر هم فعالیت‌هایش کمتر شده است، از یک طرف هم مدرسه اگر جز آموزش‌وپرورش باشد چون آن‌ها جمعیت زیادی را تحت پوشش دارند، در بعضی از مسایل مثل تجهیزات یا تعمیرات آن‌ها دست‌شان بازتر است و به نفع مدارس است که عادی باشند.» وی افزود: «از طرفی هم عشایری بودن این ضمانت را می‌دهد که مثلا در مدارس عشایری تا سه دانش‌آموز یک معلم داریم، ولی خیلی از مدارس عادی در تامین معلم مشکل دارند.» او می گوید: «ما حدود ۷۰۰ تا دانش‌آموز ابتدایی و ۵۰۰ تا دانش‌آموز متوسطه داریم که حدود ۱۲۰۰ نفری می‌شوند.»

او معتقد است؛ مدارس عشایری از نظر آموزشی مشکل خاصی ندارند چون معلم چندپایه هست، اتفاقا بعضا خوب است چون ۵ تا دانش‌آموز یا ۱۰ تا دانش‌آموز در یک مدرسه یک معلم با آن‌ها کار می‌کند و انگار معلم خصوصی محسوب می‌شود و مشکل خاصی در آموزش نداریم فقط به خاطر آمار کم جمعیتی‌مان و پایین بودن سرانه جمعیتی‌مان برای تعمیرات و تجهیزات مدارس معمولا با کمبود بودجه مواجه می‌شویم. چون سرانه‌هایی که تصویب می‌کنند بر اساس جمعیت دانش‌آموزی است و همیشه پیگیر این قضیه هستیم که سرانه را بر اساس جمعیت دانش‌آموزی نباید بدهند. باید بر اساس کلاس و فضای آموزشی بدهند. ۵ دانش‌آموز یک کلاس درس را تشکیل می‌دهند که پشت‌بامش ایزوگام می‌خواهد، در این کلاس اگر ۲۵ نفر هم باشند باز هم پشت‌بامش ایزروگام می‌خواهد. تنها مشکل ما اختصاص بودجه‌ای‌ست که از فرمانداری و شهرستان به مدارس عشایری داده شود.» بودجه‌تان را از فرمانداری می گیرید؟ «بله. دوسال است که از سوی کمیته برنامه‌ریزی شهرستان پیشنهاد و به دستگاه مربوطه اعلام می‌شود و آموزش‌وپرورش می‌پردازد. بودجه ما از بودجه شهرستان تعریف می‌شود. مشکل‌مان فقط کمی بودجه است. سال گذشته برای تعمیرات حدود ۹ میلیون تومان در نظر گرفتند که با آن دوتا مدرسه را هم نمی‌شود ایزوگام کرد.»

شما گفته بودید ۶۵ مدرسه عشایری با بخاری نفتی گرم می‌شود، درست است؛ «این موضوع دیگر الان تا حدودی مرتفع شده است. واقعیت کار آن لحظه‌ای که با نگارستان مصاحبه کردیم ۱۰ تا بخاری برقی سال گذشته تو مدرسه‌ها توزیع کرده بودیم، از اول سال هم که مرتب پیگیر بودیم پنج‌شنبه هفته پیش ۱۵ بخار برقی سهمیه استانی برای‌مان فرستادند. با بخاری‌هایی که هفته پیش رسیدند ۲۵ تا از مدارس‌مان تا یک هفته آینده مجهز به بخار برقی می‌شود و ۵۰ تا کلاس دیگر باقی‌می‌مانند.»

چرا از کمک خیرین استفاده نمی کنید؟ «خیرین در حوزه آموزش عشایری وارد شدند حدود ۱۲ مدرسه را آقای عباسلو ساخته است. اما در مورد تجهیزات نتوانستیم خیری پیدا کنیم که در تجهیزات به ما کمک کند. بافت مدارس عشایری هم اینجور است که گاهی همان بخاری برقی هم نمی توانیم بگذاریم چون مثلا منطقه برق ندارد یا وسیله گرمایشی دیگری برای جایگزینی نیست.» از این ۵۰ مدرسه‌ای که از بخاری نفتی استفاده می کنند چه تعدادشان در روستای‌شان برق هست و می‌شود برای‌شان بخاری برقی خرید؟ «برای حدود ۳۰ مدرسه می‌توان بخاری برقی تهیه کرد و حدود ۲۰ مدرسه در جاهایی هستند که اصلا برق نیست.»

هیچ مدرسه عادی از بخاری نفتی استفاده‌نمی‌کند

رییس آموزش‌وپرورش سیرجان هم با تاکید به اینکه ما هیچ مدرسه عادی نداریم که از بخاری نفتی استفاده کند، گفت: «ما حتی در روستاها هم نداریم. فقط در مدارس عشایری داریم. آموزش‌وپرورش سال گذشته همه بخاری‌های نفتی را جمع کرد.»

سیستم گرمایشی مدارس‌مان بیشتر چه هستند؟ «یا شوفاژ هست یا لوله‌کشی گاز و بخاری گازی دارند و یک سری بخاری‌های برقی ایمن ویژه مدارس روستایی کوچک که با برق کار می کنند که بالا روی دیوار کار می‌شوند.»

عکس: امین ارجمند | پاسارگاد

سرمقاله

انسان گرگ انسان است

رضا مسلمی‌زاده

این روزها فیلترینگ اینستاگرام زمزمه‌ی رایج اهالی قدرت است و ارایه‌ی شواهد مفسده‌انگیزی آن چندان شهره‌ی عام و خاص که نیازی به تکرارش نیست. در این میان رفتار ددمنشانه امیر -جوان نورسته‌ی همشهری- با دخترکی بین کاربران شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود. انتقام‌گیری وحشیانه یک زورمند از موجودی نحیف که خودش نیز با افتخار از آن تصویربردای می‌کند و در فضای مجازی به اشتراک می‌گذارد تا مردانگی خویش را به رخ فالوئرهایی بکشد که قبلا تحقیرشدن او را از سوی دخترک دیده‌اند. می‌توان با بستن اینستاگرام این واقعیت را از انظار پاک کرد و نادیده‌اش گرفت. احتمالا سنت‌گرایان عاصی از هجمه‌ی تکنولوژی معتقدند که ام‌المفاسد همین موبایل‌های کوفتی هستند و اگر اینستاگرام نبود، این ماجرا از ریشه اتفاق نمی‌افتاد. در نگاه اول حق با ایشان است. بستر این ناهنجاری شبکه‌های اجتماعی هستند که در هر لحظه‌اش رویدادی در حال اتفاق است که یک از هزاران آن هم به گوش کسی نمی‌رسد. اما اگر گمان می کنیم با فیلترینگ و یا برافتادن فضای مجازی می‌توان بر خوی وحشی و غیراخلاقی بشر فایق آمد، به بی‌راهه افتاده‌ایم. البته ما مدت‌هاست که عاجز از حل ریشه‌ای مسایل به ماله‌کشی مشغولیم. با فرستادن مشکلات به اعماق جامعه آتشفشانی را خوراک می‌رسانیم که در فورانی دیگر ما را غافلگیر می کند. امیر و دخترک بی‌پناه این ویدیوی اینستاگرامی قربانیان ناتوانی ما در حل ریشه‌ای مسایل هستند که روابط‌شان امروز ما را غافلگیر کرده‌است. اینستاگرام تنها محملی برای نمایش است و نه بیشتر.

اخلاق با منفعت آدمی در تضاد است و هنگامی که پای منافع و ارضای امیال به میان می‌آید، انسان به گرگ انسان تبدیل می‌شود.

انکار این گفته در نزد بعضی از اخلاق گرایان هیچ کمکی به درندگی انسان در لحظه‌ی تضاد منافع نکرده است. تاریخ سرشار از لحظاتی است که انسانی بر انسان دیگر چیره شده است و او را به گونه‌ای در رنج افکنده است که هیچ موجود زنده‌ای با همنوع و یا غیر همنوع خویش نکرده است. انسان تنها موجودی است که دیگری را شکنجه می‌دهد و بخشی از استعداد و خلاقیت آدمی مصروف آفرینش روش‌های پیشرفته برای شکنجه‌شده‌است.

انسان شکنجه‌گر مخوف‌ترین نمایش نوع انسان در طول تاریخ بوده است. هیچ تصویر و گفته‌ای دردمندتر از لحظاتی نیست که یک انسان همنوع خویش را شکنجه می‌کند. از همین روست که شکنجه ذاتا امری به شدت مذموم و غیراخلاقی است و در قوانین کشورهای جهان بر ممنوعیت آن تاکید شده است. بماند که این ممنوعیت قانونی قادر به جلوگیری از خوی «فرادد‌منشانه» آدمی نیست و هر روز خبری از شکنجه به گوش می‌رسد.

در این وانفسا، ویدیویی کوتاه از مذاکرات تهیه‌کنندگان قانون اساسی به دستم رسید که خلاصه‌ی آن چنین است:

«آقای مشکینی: خوب بگیریم طرف رو دو تا سیلی هم بزنیم و اقرار کند

آقای منتظری: در دنیا راه های دیگری هم برای گرفتن اقرار هست.

آقای بهشتی : یک سیلی زدن باب شود... کار به داغ و درفش هم می‌کشد

آقای منتظری: گناهکاری آزاد شود، بهتر از این است که بی گناهی شکنجه‌شود».

دغدغه‌ی به‌حق تدوینگران قانون اساسی چونان مشعلی درخشان باید برافراشته باقی بماند تا گرگ‌صفتی انسان کار دستش ندهد. اگر محکومیت شکنجه دوباره به‌خواستی همگانی تبدیل شود، دیگر لازم نیست گناه غفلت خویش را بر گردن اینستاگرامی بیاندازیم که امیر هم اقدام خویش را با افتخار در آن به نمایش می گذارد.

روی خط

پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۴۸۰۶

شماره تلگرام پاسارگاد: ۰۹۲۱۷۵۱۹۲۹۰

- میدان امام ترافیک خیلی زیادی نداره و اصلا احتیاج به پل نداره. اونهایی که میخوان این پل رو به اسم خودشون بسازن بهتر نیست مشکل پارکینگ شهر سیرجان را حل کنند تو ساخت پل کوچک مکی‌آباد موندن، دیگه این پل روگذر خدا میدونه چندصد سال دیگه تموم بشه. ۲۳۹۷
- خداقوت و خسته نباشید عرض می کنم حضورشریف تمامی کارکنان صبور، زحمتکش و مردمدار کارگزاری بیمه تأمین اجتماعی خ.تختی به ویژه جناب خداپرست که با صبر و حوصله و متانت بی‌نظیر کار مراجعین را به خوبی و در کمترین زمان ممکن انجام می دهند. جهانشاهی از مراجعین. ۴۱۷۹
- باسلام از خیرین میخوام به داد ماهم برسید. من شوهرم جوشکاره، سه ماهه بیکار شده وضع مالی بدی داریم. خواهش می کنم کاری برای ما کنید. ۹۱۷۵
- مسئولان شهرستان خصوصاً مسئولان شورای ترافیک و راهنمایی و رانندگی اگر گوش شنوایی و چشم بینایی دارند چراغ راهنما میدان بلال را فعال کنند خیلی مواقع در این تقاطع علاوه بر تصادف، نبود چراغ راهنمای فعال باعث ترافیک و بی‌نظمی خودروها و رانندگان در این میدان می‌شود ۰۱۱۴
- بازار مسکن به کما خواهد رفت. کاهش شدید جمعیت و عدم تقاضا در آینده و مشکلات و افزایش هزینه خانوارها و عدم میل به ازدواج و از همه مهم‌تر بحران آب دلایل قوی بر افت بازار زمین و مسکن خواهد بود ۵۰۱۸
- فرق مسئولان حال حاضر با مسئولان زمان طاغوت این است در آن زمان مسئولان را مردم کمتر ملاقات می کردند ولی از لحاظ اهمیت ندادن به مردم فرقی ندارند. اینها هر شهری سفر می‌کنند تحت‌الحفظ پشت تریبون می‌روند و طوطی‌وار حرف می‌زنند بدون اینکه شنونده حرف مردم باشند و برای رفع آنها قدمی بردارند نمی‌دانند خیلی از خانواده‌ها نان خوردن ندارند. فقط می‌توانیم درود برغیرت و مردانگی دکتر قاضی‌زاده‌هاشمی فرستاد ۰۱۱۴
- آقایان مسؤل شهر، چرا به شهر رسیدگی نمی‌کنید. جاده شیراز به طرف معدن گل‌گهر چندین ساله بدون روشنایی مانده. پل زیرگذر مکی‌آباد چندسال به امان خدا رهاشده. شهر ما با وجود معادن زیادی که دارد می‌توانست بهترین شهر توی دنیا باشد. ولی هزاران افسوس. ۶۴۲۷
- می‌خواستم به آقایونی که داد از منابع طبیعی می‌زنند بگویم چرا جلوی چند تا ماشین را که از ته رودخونه‌ها بار می کنند می‌گیرند ولی جلوی خونه باغ‌ها یا زمین‌هایی که پولدارا تصرف کردن نمی‌گیرند. شاید یک جای کار به سود طرف‌ها هست. شاید شاید ۱۳۹۳
- گل‌گهر سیرجان و دیگر معادن و منابع و حتی برخی از ادارات و بانک‌ها و...نه تنها خیر و برکتی از اعمال و رفتار مرکز استان ندارد، بلکه آلودگی محیط زیست کمبود آب و زیاد شدن ارسنیک که بسیار برای سلامتی خطرناک است افزایش مهاجرینی که جز چندفرهنگی و رانندگی بد و بالا بردن ترافیک، تصاحب شغل‌ها و تصرف بسیاری از زمین‌های این منطقه چه فرد یا افرادی جوابگوی این مصائب هستند؟ در همین‌جا از نماینده‌ای که نمی‌دانیم نماینده کرمان است یا سیرجان و بردسیر می‌خواهیم جواب مسائل بالا را به اطلاع شهروندان برساند. در ضمن پرونده های فساد در شهرداری ونتیجه حسابرسی سازمان بازرسی کل کشور از گل‌گهر را به اطلاع شهروندان برسانند. ۶۴۵۹
- چرا کوچه های شهرک صدف را آسفالت نمی کنید. حداقل آنهارا صاف کنید...کوچه ها پر از چاله است. ۴۹۹۸
- به‌جای برداشتن نرده‌های بین مسئولان و مردم در نماز جمعه، نرده‌های ایجادشده از حقوق‌ها و دریافتی‌های مسئولان و زندگی تجملاتی‌شان و اختلاف طبقاتی ایجادشده با مردم که اکثریت جامعه کارگر و کارمند هستند بکاهید. حذف نرده‌های نماز جمعه هیچ تاثیری بر زندگی مردم ندارد که روی آن مانور می‌دهید ۰۱۱۴

رایزنی‌ها و پیگیری‌ها برای تغییرات در گل‌گهر ادامه دارد

تقی‌زاده: استعفا نمی‌دهم

گروه خبر

«از آب گل‌آلود ماهی می‌گیرند» این شرح حال این روزهای گروه‌ها و طیف‌هایی‌ست که دنبال مدیریت گل‌گهر هستند. چه آن‌ها که می‌خواهند تقی‌زاده بماند و چه آن‌ها که برای این سمت دندان تیز کرده‌اند. این که زور کدام گروه بچربد، به رایزنی‌ها و پیگیری‌های‌شان بستگی دارد. اما هرچه که هست، به نظر می‌رسد طولانی شدن این روند هم به افزایش شایعات دامن و هم به گل‌گهر ضربه می‌زند.

هفته گذشته پاسارگاد در گزارشی به تغییرات در گل‌گهر پرداخت. از هفته گذشته تا امروز اتفاقات دیگری هم رخ داده است اینکه نامه‌ای از سوی مجمع نمایندگان استان در حمایت از تقی‌زاده نوشته شده است و همه نمایندگان استان کرمان به جز شهباز حسن‌پور آن را امضا کردند. بعد از چند روز خبر رسید که برخی نمایندگان استان گفته‌اند؛ آقای تقی‌زاده از ما خواسته است که این نامه را امضا کنیم و قرار نبوده است این نامه رسانه‌ای شود. تماس پاسارگاد با نمایندگان استان باز هم بی‌نتیجه‌ماند.

در این یک هفته گروه‌های مخالف تقی‌زاده نیز بیکار ننشستند و چندین جلسه با شخصیت‌های مختلف برگزار کردند و درصدد نشاندن گزینه خود در این سمت هستند. در این روزها بیشتر نام آقای طیبی و عتیقی برای این سمت شنیده می‌شود. حتی گفته‌اند که آقای طیبی درصدد بازدید از گل‌گهر بوده است که آقای تقی‌زاده این اجازه را نداده است.

از عتیقی حمایت می‌کنم

شهباز حسن‌پور در گزارش هفته گذشته پاسارگاد از تعیین تکلیف گل‌گهر تا ده روز آینده خبر داده بود. او این هفته در گفت‌وگو با پاسارگاد با بیان اینکه بحث گل‌گهر یکی از بحث‌های داغ این روزهای استان کرمان و شهرستان سیرجان است، گفت: «عده‌ای به دنبال رایزنی برای ادامه حضور مهندس تقی‌زاده در این مسند هستند و عده‌ای هم پیگیری‌هایی برای انتخاب یک نیروی بومی از میان نیروهایی فعال در گل‌گهر هستند. عده‌ای هم بیرون از وزارتخانه از این آب گل‌آلود به دنبال ماهی مراد خودشان هستند و شاید در طول ده سال نمایندگی‌ام این اندازه ملاقات از اقصا نقاط کشور و رایزنی برای حضور بعضی چهره‌ها در گل‌گهر نداشتم.» وی ادامه داد: «به جرات بگویم ده‌ها نفر از شخصیت‌های برجسته سیاسی، اقتصادی و صنعتی کشور به دنبال این هستند که کرسی گل‌گهر را از آن خود و جناح خود کنند و رایزنی‌ها به طور منظم در راهروهای وزارت صنعت و معدن، بانک سپه و مجلس شورای اسلامی ادامه دارد. بنده هم به همه یک جمله را عرض کردم؛ اگر قرار است تغییر و تحولی صورت بگیرد ما ده‌ها گزینه بومی، کاری و توانمند، کارشناس، متعهد و متخصص داریم اما اگر قرار است غیر از فرزندان سیرجانی فردی انتخاب شود آقای تقی‌زاده خود بهترین و کارشناس‌ترین و مجرب‌ترین فرد در بین ده‌ها چهره سیاسی، اقتصادی، اجتماعی است که نام‌شان مطرح می‌شود. به گفته حسن‌پور شنبه این هفته ملاقاتی با استاندار کرمان در خصوص تغییر و تحولات در گل‌گهر داشته است؛ «صبح دیروز هم با معاون پارلمانی وزیر صنعت و معدن جلسه داشتم و از ایشان خواستم وضعیت گل‌گهر را تعیین تکلیف نمایید تا این شایعات و بلاتکلیفی‌ها تمام شود. صبح دوشنبه با استاندار، مسئولان استان، مجمع نمایندگان استان و بزرگان استان کرمان مثل آقای باهنر و مرعشی در تهران جلسه خواهیم داشت و آنجا هم به صراحت اعلام خواهم کرد هیچ‌کس حق دخالت در مجموعه‌ی گل‌گهر را که متعلق به نظام جمهوری اسلامی و شهرستان سیرجان است، ندارد. گل‌گهر امروز نیاز به آرامش دارد. ما الان پروژه بزرگی مثل انتقال آب را در دست اجرا داریم، و ده‌ها پروژه بزرگ دیگر. من ضمن احترام به همه‌ی نظرات از همه‌ی دوستان می‌خواهم که به آرامش گل‌گهر کمک کنند و اجازه دهند اگر قرار است تغییر و تحولی هم انجام شود از مبادی ذی‌ربط و جایگاه حقوقی و قانونی انجام شود».

از نظر او این حجم از رایزنی‌ها برای گل‌گهر نشان از اهمیت آن دارد؛ «گل‌گهر یکی از ۵ شرکت بزرگ بورسی کشور است و نقش و جایگاه گل‌گهر از چند وزارتخانه در جمهوری اسلامی مهم‌تر و حساس‌تراست.»

او در پاسخ به این سؤال که مجمع نمایندگان استان هفته گذشته نامه‌ای در حمایت از آقای تقی‌زاده نوشتند و زیر آن را امضا کرده بودند، گفت؛ «بنده ضمن احترام به نظرات نمایندگان، صادقانه و شخصا اعلام می‌کنم در روز تهیه این نامه بنده در مجلس حضور نداشتم و همه اسناد و مدارک موجود است. آن روز با وزیر اقتصاد و معاونان وزیر اقتصاد در حال رایزنی برای تعیین تکلیف مدیریت گل‌گهر بودم». هفته گذشته گفتید تا ده روز آینده جلسه هیئت‌مدیره گل‌گهر تشکیل و تکلیف گل‌گهر مشخص می‌شود، چرا اتفاقی نیفتاد؟ «ظاهرا هیئت‌مدیره به توافق نرسیدند و جلسه تشکیل نشده‌است».

این روزها نام چند گزینه خیلی مطرح است؛ آقای عتیقی و آقای طیبی و چند نفر دیگر. نظرتان نسبت به این گزینه‌ها چیست؟ «بنده ضمن احترام به همه کسانی که نام‌شان مطرح شده است، اعتقادم این است اگر دولت تصمیم به تغییری دارد و چنانچه گل‌گهر به دنبال تغییر است تنها گزینه پیشنهادی بنده بعد از آقای تقی‌زاده، آقای عتیقی است ولاغیر. هیچ گزینه دیگری را نه پیشنهاد خواهم داد و نه می‌پذیرم. در این ده روز گذشته به جز این دو نفر، ده گزینه به بنده مراجعه کردند که همه در کشور شناخته شده هستند.» آن گزینه‌ها همه غیربومی بودند؟ «بله همه غیربومی بودند تنها گزینه بومی روی میز آقای عتیقی است و در نشستی که ۹۰ درصد مدیران گل‌گهر با من هفته گذشته داشتند یکپارچه از آقای عتیقی حمایت کردند و گفتند ما حامی ایشان هستیم. بنده هم در جمع آن عزیزان اعلام کردم بنده به دنبال دخالت در مجموعه گل‌گهر نیستم. گل‌گهر سهامدار و هیئت‌مدیره دارد و فقط قصدم همکاری است.» آقای عتیقی در انتخابات دور قبل مجلس شورای اسلامی در ستاد آقای جهانگیری بودند، این اختلاف سیاسی برای‌تان مهم‌نیست؟ «بنده بارها اعلام کردم از عملکرد آقای تقی‌زاده راضی هستم به هیچ عنوان به دنبال تغییرشان نبوده و نیستم اما وقتی بحث تغییر مطرح شد برخلاف میل باطنی، بنده آقای عتیقی را پیشنهاد دادم و ایشان را کاندیدای این سمت کردم. برخلاف اینکه بعضی‌ها در بعضی از محافل اسم آقای عتیقی را بر سر زبان‌ها جاری کردند، آقای عتیقی ده‌ها بار به بنده فرمودند؛ من نه دنبال مسئولیت بوده و نه هستم. بنده یک کارشناس هستم و در سمت کارشناسی هم بهتر می‌توانم به سیرجان خدمت کنم اما بحث آقای عتیقی به عنوان مدیرعامل خواست بیش از ۹۰ درصد مدیران گل‌گهر و مسئولان شهرستان و دلسوزان شهرستان بوده است. امروز بهترین وحدت و ارتباط بین آقای تقی‌زاده و عتیقی حکمفرماست. همان‌طور که گفتید آقای عتیقی از نظر خط سیاسی هیچ ارتباطی با بنده ندارد. در ستاد رقیب بنده فعالیت می‌کرده است اما من باید امروز منافع شهرستان، پرسنل و کارگران را ببینیم. هرکس به بنده مراجعه کرده گفتم بنده به دنبال گزینه بومی هستم و اگر آقای تقی‌زاده روزی خودشان تصمیم به رفتن گرفتند، بهترین گزینه آقای عتیقی است که از لحاظ علمی ایشان لیسانس و فوق‌لیسانس معدن دارند. در نهایت امیدوارم کسی مسئولیت گل‌گهر را قبول کند که بتواند پاسخگوی ۱۲ هزار جوان بیکار سیرجانی باشد که چشم‌انتظار استخدام در گل‌گهر هستند».

من استعفا نمی‌دهم

با همه این‌ها ناصر تقی‌زاده به صراحت می گوید به کارش ادامه می‌دهد و استعفا نمی‌دهد. پس از هفته‌ها پیگیری مداوم پاسارگاد، وی بالاخره روز گذشته در گفت‌وگو با پاسارگاد گفت: «من استعفا نمی‌دهم. چرا باید استعفا بدهم؟ اینکه نام افرادی تا امروز برای این سمت مطرح شده نظر خودشان هست. من دارم کارم را انجام می‌دهم. خداوند به من یک توفیق داده است که خدمت بکنم و فارغ از پستی که دارم توفیق خدمت را بر خودم نعمت الهی می‌دانم. هر موقع مقامات، مسئولان ذی‌ربط و سهامداران به من تکلیف کنند و بگویند برو می گویم چشم. هر موقع نخواستند خب تا آخر هستیم. مگر یک معلمی که می‌رود سر کلاس تا حکم بهش ندهند کارش را ول می‌کند؟ من کارمندم و کارم را دارم انجام می‌دهم.» او در جواب این سؤال که این همه رایزنی با مسئولان استان برای چیست؟ گفت: «من وارد حاشیه نمی‌شوم و هر زمان مسئولان صلاح دانستند می‌روم. این را از کسانی که رفتند نوشتند بروید سؤال کنید. من در همین سمت هستم و تا زمانی خداوند من را قابل بداند به عنوان خدمتگزار در خدمت نظام و مملکت هستم.» مسئولان سیرجانی از عملکرد گل‌گهر راضی هستند و به عملکرد فرد انتقاد دارند؟ «خب خدا روشکر، گل‌گهر یعنی عملکرد شخص، هر کس هرجور دوست دارد فکر کند. من چه بگویم؟ شما می‌توانید یک طور فکر کنید و من می‌توانم یک‌جور فکر کنم.» او همچنین در مورد کمک مالی گل‌گهر به استان گفت؛ «گل‌گهر مال همه کشور است نه فقط سیرجان. ما به استان کمک کنیم اشکالی ندارد و در چهارچوب مقررات شرکت کمک کردیم».

عکس: پاسارگاد